

## بررسی نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک‌شده در زنان، در پیوند میان سبک‌های دل‌بستگی و افسردگی

دکتر محسن گل‌پرور\*

استادیار گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان

دکتر حمیدرضا عریضی

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان، در پیوند میان سبک‌های دل‌بستگی و افسردگی، در صورت باور آنان به دنیای عادلانه انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان غیرشاغل ساکن در نواحی پایین، متوسط، و بالای شهر اصفهان تشکیل می‌دهند، که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌یی، ۳۰۰ نفر از آنان، به عنوان نمونه‌ی پژوهش، انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش نیز شامل پرسش‌نامه‌ی روابط نزدیک، باور به دنیای عادلانه برای زنان، و پرسش‌نامه‌ی افسردگی است.

الگوسازی معادله‌های ساختاری نشان می‌دهد که بر پایه‌ی شناسه‌های برازش، داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش، بیش‌ترین برازش را با مدل دل‌بستگی اضطرابی دارند؛ به عبارت دیگر، مدل ارتباطی دل‌بستگی اضطرابی به افسردگی، تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان را به عنوان یک میانجی کامل می‌پذیرد، اما مدل ارتباطی دل‌بستگی اجتنابی به افسردگی، تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان را به عنوان یک میانجی پاره‌یی می‌پذیرد. تحلیل‌های رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی و بررسی اثرات غیرمستقیم نیز بیان‌گر آن است که فقط اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی بر افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان معنادار است.

### واژگان کلیدی

دل‌بستگی زنان؛ تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان؛ باور به دنیای عادلانه برای زنان؛ افسردگی؛

نظریه‌ی دل‌بستگی<sup>۱</sup>، تنها یک نظریه‌ی رشدی دوران کودکی به شمار نمی‌آید و تمامی طول زندگی آدمی را در بر می‌گیرد (وست، و شلدون-کلر<sup>۲</sup> ۱۹۹۴؛ فرالی، گارنر، و شی‌ور<sup>۳</sup> ۲۰۰۰)؛ در واقع می‌توان گفت که دل‌بستگی بزرگ‌سالی، شکلی از یک دل‌بستگی است که به وسیله‌ی آن، فرد از این که در کنار افراد مهم زندگی‌اش به سر می‌برد احساس امنیت می‌کند (هازن و شی‌ور<sup>۴</sup> ۱۹۹۰). این احساس، به عنوان حسی بنیادین، از چنان اهمیتی در حوزه‌ی روان‌شناسی برخوردار است که پژوهش‌گران بسیاری پیوند آن را با متغیرهای مختلف، مانند خشنودی زناشویی (مظاهری ۱۳۷۹؛ عباسی سرچشمه ۱۳۸۴)، جهت‌گیری کاری، استرس شغلی (رحیمیان بوگر و هم‌کاران ۱۳۸۵؛ ۱۳۸۶)، مشکلات بین‌فردی (بشارت، گلی‌نژاد، و احمدی ۱۳۸۲)، ترس از صمیمیت (بشارت و فیروزی ۱۳۸۵)، برون‌گرایی، روان‌رنجورخویی (بشارت ۱۳۸۳)، فرآیندهای روان‌درمانی (مالین‌کروت<sup>۵</sup> ۲۰۰۰)، سلامت فردی، و خودکارآمدی (لوپز و هم‌کاران<sup>۶</sup> ۱۹۹۷) مورد مطالعه قرار داده‌اند. گستره و گوناگونی متغیرهای مورد مطالعه و نیز پیوند آن‌ها با دل‌بستگی بزرگ‌سالی، گویای نقش بااهمیت این گونه از دل‌بستگی، در موقعیت‌های فردی، اجتماعی، شغلی، و درمانی است.

از نظر تاریخی، پس از معرفی دل‌بستگی بزرگ‌سالی (بالبی<sup>۷</sup> ۱۹۷۳؛ آینزورث و هم‌کاران<sup>۸</sup> ۱۹۷۸؛ بالبی ۱۹۸۰)، یکی از سویه‌گیری‌های عمده در پژوهش‌های مرتبط با دل‌بستگی، تأثیر آن در پیش‌بینی فرآیندهای سامان‌دهی خلق و نیز واکنش‌های افراد به فشار روانی بوده‌است (فاندلینگ<sup>۹</sup> ۱۹۹۸؛ میکولینسر، شی‌ور، و پرگ<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۳؛ زاکالیک و وی<sup>۱۱</sup> ۲۰۰۶)؛ افزون بر آن که خود ابعاد دل‌بستگی در بزرگ‌سالی نیز، از مهم‌ترین موضوعاتی بوده که پژوهش‌گران را به سوی خود کشانده‌است. دل‌بستگی اضطرابی و دل‌بستگی اجتنابی دو بعد مهم دل‌بستگی بزرگ‌سالی اند (فرالی، گارنر، و شی‌ور ۲۰۰۰)، که اولی نیاز بی‌اندازه به تأیید دیگران و ترس از رانده‌شدن را در بر دارد و دومی، بیان‌گر دوری از روابط بین‌فردی است (برنان، شی‌ور، و کلارک<sup>۱۲</sup> ۲۰۰۰). با توجه به پیشینه‌ی پژوهش‌هایی که پیوند میان سبک‌های دل‌بستگی و سامان‌دهی خلق را نشان داده‌اند، هدف پژوهش حاضر، بررسی پیوند میان سبک‌های دل‌بستگی با

<sup>1</sup> Attachment Theory

<sup>2</sup> West, Malcolm L., and Adrienne E. Sheldon-Keller

<sup>3</sup> Fraley, R. Chris, Joseph P. Garner, and Phillip R. Shaver

<sup>4</sup> Hazen, Cindy, and Phillip R. Shaver

<sup>5</sup> Mallinckrodt, Brent

<sup>6</sup> Lopez, Frederick G., James Fuendeling, Kim Thomas, and David Sagula

<sup>7</sup> Bowlby, John

<sup>8</sup> Ainsworth, Mary D. Salter, Mary C. Blehar, Everett Waters, and Sally Wall

<sup>9</sup> Fuendeling, James M.

<sup>10</sup> Mikulincer, Mario, Phillip R. Shaver, and Dana Pereg

<sup>11</sup> Zakalik, Robyn A., and Meifeng Wei

<sup>12</sup> Brenman, Kelly A., Phillip R. Shaver, and Catherine L. Clark



افسردگی، با توجه به نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان، در صورت باور آنان به دنیای عادلانه است.

شواهد پژوهشی چندی وجود دارد که نشان می‌دهد ادراک زنان از رعایت عدالت و انصاف، در بسیاری از حوزه‌ها، شکل‌گرفته بر پایه‌ی تبعیض است (راودراد ۱۳۷۹؛ زارعی ۱۳۸۵؛ عریضی ۱۳۸۵؛ عریضی، بهادران، و فاتحی‌زاده ۱۳۸۶)؛ بر این اساس، هرچند تا کنون پژوهش‌های زیادی در مورد تبعیض ادراک‌شده در زنان صورت پذیرفته، در مورد واکنش روانی نسبت به تبعیض، با توجه به متغیرهای فردی و تفاوت‌های بین‌فردی در میان آنان، پژوهشی جدی گزارش نشده‌است. با توجه به حساس بودن زنان نسبت به تبعیض (مراثی و عریضی ۱۳۸۴؛ گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۶)، و هم‌چنین با توجه به این که احساس تبعیض در قالب اعمال بی‌عدالتی و بی‌انصافی می‌تواند به واکنش‌های خلقی منفی و حتا کاهش سلامت عمومی منجر شود (گل‌پرور و جوادی ۱۳۸۵؛ گل‌پرور، کامکار، و جوادی ۱۳۸۶؛ گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۷)، از لحاظ نظری و پژوهشی می‌توان این فرض را که با افزایش سطح تبعیض ادراک‌شده در زنان، حالات منفی خلق، مانند افسردگی، تقویت می‌شود، مطرح کرد.

باور به دنیای عادلانه، از گروه متغیرهایی است که در تمامی ادیان و به‌ویژه ادیان یکتاپرست وجود دارد (گل‌پرور، خاکسار، و خیاطان ۱۳۸۷). این باور، ریشه در این تفکر دارد که آنچه در تمامی ابعاد زندگی، بهره‌ی افراد می‌شود، به شکلی عمیق، با شایستگی و سزاوری آنها درهم‌تنیده شده‌است؛ به عبارت دیگر، هر انسان، تا مادامی که خوب و عادل است، با وقایعی که ناشی از شوربختی و بی‌عدالتی است روبه‌رو نمی‌شود و اگر هم روبه‌رو شود، بر اثر عدالت موجود در جهان هستی، عاقبت، رعایت عدالت و انصاف را در حق خود تجربه خواهدکرد (سجادیان و گل‌پرور ۱۳۸۷). اما از سوی دیگر، وقتی فرد به دنیای ناعادلانه باور دارد، نسبت به این عاقبت‌اندیشی خوش‌بینانه دچار تردید جدی خواهدبود. تبعیض ادراک‌شده بر پایه‌ی این باور که دنیا مکانی خالی از عدالت است، ریشه در همان نظریه‌ی دنیای عادلانه‌ی لرنر<sup>۱</sup> (۱۹۸۰) و کارکردهای سازشی آن دارد. باور به دنیای عادلانه، به لحاظ ماهیت و محتوای شناختی خود، در بسیاری سویه‌ها و از راه ساز و کارهای جبران، به‌زیستی افراد را در مقابل ضربه‌های ناشی از وقایع و حوادث تضمین می‌کند (گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۷)؛ برای نمونه، گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۷) طی پژوهش خود نشان دادند که وقتی معلمان، دارای باوری نیرومند به دنیای عادلانه باشند، رفتارهای خشن و پرخاش‌گرانه دانش‌آموزان در برابر آنها، باعث پیدایش حالت‌های عاطفی منفی، مانند شرم، تردید، و احساس درماندگی نمی‌شود. در پژوهش گل‌پرور، خاکسار، و خیاطان (۱۳۸۷) نیز نشان

<sup>۱</sup> Lerner, Melvin J.

داده شده است که باور به دنیای عادلانه می‌تواند باعث کاهش خشم و رنجش‌های زیان‌بار برای سلامت روانی افراد باشد؛ بنا بر این، از نظر پژوهشی، وجود پیوندی درخور توجه (تبعیض ادراک شده از سوی زنان) میان باور به دنیای عادلانه برای زنان و افسردگی در آن‌ها وجود دارد.

هنگامی که افراد، نیازهایی بنیادین، مانند آنچه در انواع دل‌بستگی مطرح است، را داشته باشند، شکل کلی باور به دنیای عادلانه یا ناعادلانه می‌تواند به عنوان یک عامل میانجی یا تعدیل کننده، نوع واکنش خلقی آن‌ها را به حوادث دگرگون کند؛ به عبارت دیگر، کسی که تصور کند به گروهی تعلق دارد که عدل و انصاف در مورد آن‌ها مراعات نمی‌شود (درک تبعیض)، به طور طبیعی احساس بی‌عدالتی کرده، اعتمادش را به دنیای پیرامون از دست می‌دهد. در این چرخه، فرد به گونه‌ی ناخواسته، در فضای روانی خود احساس رانده‌شدگی می‌کند و در کسی که سطحی از دل‌بستگی اضطرابی دارد، این وضعیت، تبدیل به احساس ناامنی، و به دنبال آن افسردگی می‌شود؛ زیرا فرد دارای دل‌بستگی اضطرابی، نسبت به تأیید یا رانده شدن از سوی دیگران، به شکلی جدی حساس است (زاکالیک و وی ۲۰۰۶)؛ بنا بر این، گرایش پژوهش حاضر به باوری جهان‌شمول از نوع باور به دنیای عادلانه، به دلیل آن است که باور به حضور عدالت در دنیا، نوعی باور وابسته به دست‌آوردهای تمامی ابعاد زندگی است؛ در واقع، نیاز انسان است که تعیین می‌کند، در لحظه، چه دست‌آوردی برای وی اهمیتی بیش‌تر دارد (گل‌پرور ۱۳۸۵؛ گل‌پرور و عریضی ۱۳۸۷).

نیاز روان‌شناختی زنان به این که از نظر شایستگی و توانایی، باید بیش از اندازه‌ی کنونی، مورد پذیرش و تأیید قرار گیرند، شکلی از اضطراب را در آن‌ها پدید می‌آورد که در قالب همان دل‌بستگی اضطرابی قابل طرح است؛ از سوی دیگر، کسانی نیز که از لحاظ شایستگی‌هاشان همواره مورد قبول قرار نمی‌گیرند، با درک احساس رانده‌شدگی، به سوی این باور کشانده می‌شوند که آنچه از زندگی در دنیا (در همه‌ی حوزه‌ها، و نه حوزه‌ی خاص) بهره‌ی آن‌ها شده است، چندان متناسبی با سزاواری و شایستگی آن‌ها ندارد و به این ترتیب، در مورد دست‌آوردهای متناسب با شایستگی و سزاواری خود احساس تبعیض (بی‌عدالتی) می‌کنند. پی‌آمد این تبعیض نیز می‌تواند افسردگی باشد؛ زیرا نیازی جدید برای تعلق داشتن به گروهی که در معرض پیش‌داوری نیست در آنان پدید می‌آید، که با سبک دل‌بستگی آن‌ها در تعارض است (زاکالیک و وی ۲۰۰۶).

چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر، بر نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک شده از سوی زنان (در قالب همان باور به دنیای عادلانه برای زنان)، در پیوند سبک‌های دل‌بستگی



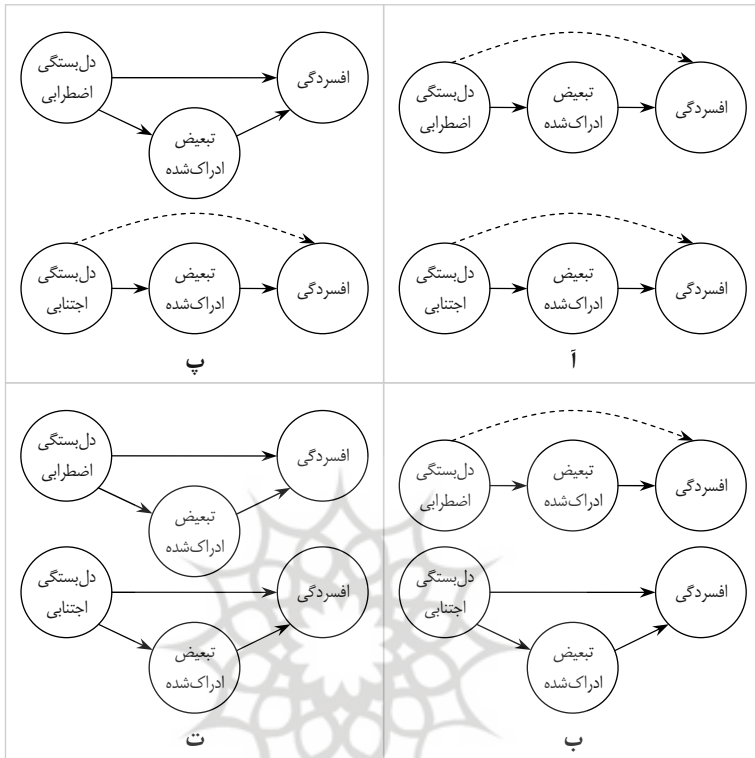
اضطرابی و اجتنابی با افسردگی در آنان پایه‌ریزی شده‌است و به این دلیل که پیشینه‌ی نظری و پژوهشی آن، از هر دو نقش میانجی و تعدیلی تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان پشتیبانی می‌کند، هر دو دسته‌ی تحلیل‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

برای تحلیل میانجی، ابتدا باید تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان (بر پایه‌ی باور به دنیای عادلانه برای زنان)، با دو سبک دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی از یک سو، و افسردگی از سوی دیگر، پیوندی جداگانه داشته‌باشد. اگر پیوند میان این دو سبک دل‌بستگی با افسردگی، با وارد شدن تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان غیرمعنادار شود، تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان یک متغیر میانجی کامل، و در غیر این صورت یک میانجی پاره‌یی نامیده می‌شود (سرمد ۱۳۷۸؛ عریضی سامانی و خلیلیان ۱۳۸۷؛ مک‌کینون و هم‌کاران<sup>۱</sup> ۲۰۰۷).

در مورد تحلیل تعدیلی، فرض پژوهش حاضر بر این است که پیوند میان سبک دل‌بستگی اضطرابی با افسردگی، در افرادی با تبعیض ادراک‌شده‌ی بالا از سوی زنان، در مقایسه با پیوند دل‌بستگی اجتنابی با افسردگی در همین افراد، نیرومندتر است؛ زیرا احساس بی‌عدالتی و تبعیض، پیش از هر چیز، افراد را در معرض دنیای طردکننده قرار می‌دهد.

دو دسته مدل میانجی و تعدیلی برای پژوهش حاضر، بر پایه‌ی آنچه گفته‌شد، در **نمودار ۱** آمده‌است. مدل **آ** در **نمودار ۱**، میانجی کامل است؛ بدین معنا که دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی، پیوندی مستقیم با افسردگی ندارند و پیوند آن‌ها به طور غیرمستقیم و به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده است. مدل **ب**، دربرگیرنده‌ی یک میانجی کامل برای دل‌بستگی اضطرابی و افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده، و نیز یک میانجی پاره‌یی در پیوند میان دل‌بستگی اجتنابی با افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده است. مدل **ب** عکس مدل **آ** است؛ یعنی در پیوند میان دل‌بستگی اضطرابی با افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده، میانجی پاره‌یی است و در پیوند میان دل‌بستگی اجتنابی با افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده، میانجی کامل است. مدل **ت** نیز، به طور کلی، در پیوند میان دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی با افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده، یک میانجی پاره‌یی است. این چهار مدل، در واقع همان فرضیه‌های پژوهش اند که پس از گردآوری داده‌ها، مورد آزمون قرار گرفته‌اند.

<sup>1</sup> MacKinnon, D. P., C. M. Lockwood, C. H. Brown, W. Wang, and J. M. Hoffman



نمودار ۱- مدل‌های چهارگانه‌ی میانجی کامل و پاره‌ی

## روش

جامعه‌ی آماری پژوهش را زنان ساکن در سه منطقه‌ی سطح بالا، متوسط، و پایین شهر اصفهان، بر پایه‌ی توزیع جمعیت‌شناختی و با توجه به سطح متوسط وضعیت اقتصادی اجتماعی، تشکیل داده‌اند (شمار کل ساکنان زن این سه منطقه، به طور کامل، مشخص نبود). نمونه‌ی آماری، شامل ۳۰۰ نفر زن همسردار است، که در زمان پاسخ‌گویی به ابزارهای پژوهش، همسران آن‌ها زنده بودند. میانگین سنی زنان گروه نمونه ۳۶/۱۴ (با انحراف معیار ۳/۱۶) و میانگین سال‌های تحصیل آن‌ها ۱۴/۲۶ بوده‌است. برای کنترل کردن متغیر شغل، هیچ یک از زنان گروه نمونه در زمان پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌های پژوهش، به کار خارج از منزل مشغول نبوده‌اند؛ بنا بر این، ملاک اصلی برای نمونه‌گیری، شاغل نبودن زنان گروه نمونه در خارج از منزل بوده‌است. در این پژوهش، به دلیل آن که پژوهش‌گران، خواهان نمونه‌گیری از تمامی پایه‌های اقتصادی و اجتماعی (پایین، متوسط، و



بالا) بودند، از روش نمونه‌گیری خوشه‌یی استفاده شده‌است؛ بدین صورت که از سه منطقه‌ی بالا، پایین، و متوسط، سه منطقه‌ی اصلی به نام‌های مرداوچ، خانه‌اصفهان، و طوق‌چی/اصفهان، به شیوه‌ی خوشه‌یی، انتخاب شد و سپس با مراجعه‌ی حضوری به هر یک از این مناطق، از زنان همسردار نمونه‌گیری انجام گرفت.

## ابزارهای پژوهش

۱- **دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی** - برای سنجش دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی، پرسش‌نامه‌ی بازنگری‌شده‌ی روابط نزدیک<sup>۱</sup>، که به وسیله‌ی فرالی و هم‌کاران (۲۰۰۰) ساخته شد و برای اولین بار شکرکن و هم‌کاران (۱۳۸۵) آن را ترجمه و استفاده کردند، به کار گرفته شده‌است. این پرسش‌نامه دارای ۳۶ سؤال است که در آن، هر یک از ابعاد دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی ۱۸ سؤال دارند. شکرکن و هم‌کاران برای دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی آلفای کرون‌باخ ۰/۸ و ۰/۸ و ضریب تنصیف ۰/۸۶ و ۰/۸۹ را، به ترتیب، گزارش کرده‌اند. در اعتباریابی هم‌زمان میان دو بُعد دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی پرسش‌نامه‌ی روابط نزدیک و ابعاد دل‌بستگی در پرسش‌نامه‌ی هازن و شی‌ور (۱۹۹۰)، شکرکن و هم‌کاران ضرایب روایی ۰/۴ تا ۰/۶ را برای دل‌بستگی اضطرابی و ۰/۲۷ تا ۰/۴۳ را برای دل‌بستگی اجتنابی به دست آورده‌اند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرون‌باخ دل‌بستگی اضطرابی و دل‌بستگی اجتنابی ۰/۷۶ و ۰/۸۱ و ضریب تنصیف ۰/۸۶ و ۰/۸۴ به دست آمد و پایایی بازآزمایی دو بعد دل‌بستگی نیز، با استفاده از ۳۰ نفر و با فاصله‌ی دو هفته، ۰/۷۴ و ۰/۷۹ ( $p < ۰/۰۰۱$ ) تعیین شد.

۲- **باور به دنیای عادلانه برای زنان** - برای سنجش تبعیض ادراک‌شده در پژوهش حاضر، پرسش‌نامه‌ی باور به دنیای عادلانه برای زنان، که به وسیله‌ی گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۵) و بر پایه‌ی پرسش‌نامه‌ی باور به دنیای عادلانه برای خود (ساتون و داگلاس<sup>۲</sup> ۲۰۰۵) ساخته و اعتباریابی شده‌است، مورد استفاده قرار گرفت. این پرسش‌نامه دارای هشت سؤال است و بر پایه‌ی مقیاس پنج‌گزینه‌یی، به شیوه‌ی لیکرت (کاملاً مخالف ام = ۱ تا کاملاً موافق ام = ۵) پاسخ داده می‌شود. این پرسش‌نامه، در عمل، به اندازه‌گیری باور به رعایت عدل و انصاف برای زنان در دنیایی که زندگی می‌کنند می‌پردازد و شواهد مربوط به پایایی و روایی آن، در پژوهش گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۵) به تفصیل آمده‌است. آنان برای این پرسش‌نامه آلفای کرون‌باخ را ۰/۷۹، ضریب تنصیف را ۰/۷۵، و پایایی بازآزمایی را ۰/۸۲

<sup>1</sup> Experience in Close Relationships-Revised (ECR-R) Inventory

<sup>2</sup> Sutton, Robbie M., and Karen M. Douglas

( $p < 0/0001$ ) گزارش کرده‌اند و اعتبار هم‌زمان پرسش‌نامه نیز با پرسش‌نامه‌های باور به دنیای عادلانه برای خود و دیگران، به ترتیب،  $0/587$  و  $0/557$  گزارش شده‌است. در پژوهش حاضر، پایایی بازآزمایی  $0/79$  ( $p < 0/001$ ) با استفاده از ۳۰ نفر و با فاصله‌ی دو هفته، آلفای کرون‌باخ  $0/78$ ، و ضریب تنصیف  $0/77$  برای این پرسش‌نامه به دست آمده‌است.

**۳- پرسش‌نامه‌ی افسردگی-** برای سنجش افسردگی، از پرسش‌نامه‌ی افسردگی مرکز پژوهش‌های همه‌گیرشناسی<sup>۱</sup>، که دارای ۲۰ سؤال است و با مقیاس پنج‌درجه‌ی (هرگز = ۱ تا همیشه = ۵) پاسخ داده‌می‌شود، استفاده شد. این پرسش‌نامه به وسیله‌ی عریضی (۱۳۸۲) ترجمه شده و هرچند که برای سنجش افسردگی پس از زایمان بر روی زنان به کار می‌رود، محتوای سؤال‌های آن به گونه‌ی است که برای سنجش افسردگی زنان در شرایط عادی نیز کاربرد دارد. عریضی (۱۳۸۲) پایایی این پرسش‌نامه را به صورت بازآزمایی  $0/77$  ( $p < 0/001$ )، آلفای کرون‌باخ را  $0/77$ ، و ضریب تنصیف را  $0/79$  گزارش کرده‌است. وی روایی هم‌زمان این پرسش‌نامه را نیز با پرسش‌نامه‌ی افسردگی ادینبورگ<sup>۲</sup>،  $0/52$  به دست آورده‌است. در پژوهش حاضر، پایایی بازآزمایی  $0/78$ ، آلفای کرون‌باخ  $0/81$ ، و ضریب تنصیف  $0/82$  برای این پرسش‌نامه به دست آمده‌است.

پس از پاسخ‌گویی زنان گروه نمونه به پرسش‌نامه‌های پژوهش، به صورت خودگزارش‌دهی و در زمان ۷ تا ۱۰ دقیقه، داده‌های به‌دست‌آمده، بر پایه‌ی شناسه‌های توصیفی (شامل میانگین و انحراف معیار)، آمار استنباطی (شامل ضریب هم‌بستگی پیرسون)، و الگوآزمایی معادله‌ی ساختاری مورد تحلیل قرار گرفت. الگوآزمایی معادله‌ی ساختاری برای آزمودن الگوهای میانجی کامل و پاره‌یی و با استفاده از نرم‌افزار LISREL<sup>3,5</sup> انجام گرفت و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی نیز برای آزمودن نقش تعدیلی تبعیض ادراک‌شده و آزمون اثرات غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی بر روی افسردگی استفاده شد. تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تعدیلی و آزمون اثرات غیرمستقیم با استفاده از زیربرنامه‌ی INDIRECT<sup>۴</sup> در نرم‌افزار SPSS<sup>۵</sup> انجام پذیرفت.

<sup>1</sup> The Center for Epidemiologic Studies Depression Scale (CES-D)

<sup>2</sup> The Edinburgh Depression Scale (EDS)

<sup>3</sup> LISREL (Linear Structural Relations), Scientific Software International, Inc.

<sup>4</sup> INDIRECT (SPSS Macro for Bootstrapping Specific Indirect Effects in Multiple Mediator Models)

<sup>5</sup> SPSS (Statistical Package for the Social Sciences), SPSS, Inc.





## یافته‌های پژوهش

در جدول ۱ شناسه‌های توصیفی و ضرایب هم‌بستگی متغیرهای پژوهش آمده‌است.

جدول ۱- شناسه‌های توصیفی و ضرایب هم‌بستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف معیار	دل‌بستگی اضطرابی	دل‌بستگی اجتنابی	افسردگی
دل‌بستگی اضطرابی	۱۷٫۳۶	۱۳٫۲۴	—	—	—
دل‌بستگی اجتنابی	۱۶٫۵۴	۱۲٫۴۸	**۰٫۲۸	—	—
افسردگی	۲٫۲۶	۰٫۹۵	**۰٫۵۷	**۰٫۲۹	—
باور به دنیای عادلانه برای زنان	۳٫۲۱	۱٫۴۸	**۰٫۳۹	-۰٫۰۹	**۰٫۴۷

چنان که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دل‌بستگی اضطرابی، با دل‌بستگی اجتنابی ( $r = ۰٫۲۸$ )، با باور به دنیای عادلانه برای زنان ( $r = -۰٫۳۹$ )، و با افسردگی ( $r = ۰٫۵۷$ ) دارای رابطه‌ی معنادار است ( $p < ۰٫۰۱$ ). دل‌بستگی اجتنابی نیز با افسردگی ( $r = ۰٫۲۹$ ) دارای رابطه‌ی معنادار است ( $p < ۰٫۰۱$ )، ولی با باور به دنیای عادلانه رابطه‌ی معنادار ندارد ( $p > ۰٫۰۵$ ). باور به دنیای عادلانه برای زنان نیز با افسردگی دارای رابطه‌ی منفی معنادار است ( $r = -۰٫۴۷$ ) و معنادار است ( $p < ۰٫۰۱$ ).

در جدول ۲ شناسه‌های برازش چهار مدل مفهومی پژوهش آمده‌است.

جدول ۲- شناسه‌های برازش چهار مدل مفهومی ارائه شده در نمودار ۱

مدل	$\chi^2$	CFI	RMSEA	SRMR
مدل دل‌بستگی اضطرابی کامل	**۷۲٫۱۷	۰٫۹۹	۰٫۰۳	۰٫۰۳
مدل دل‌بستگی اجتنابی کامل	***۱۱۶٫۴۲	۰٫۹۵	۰٫۰۸	۰٫۰۹
مدل کامل	***۹۱٫۲۳	۰٫۹۷	۰٫۰۶	۰٫۰۷
مدل پاره‌ی	***۱۵۴٫۶۷	۰٫۹۱	۰٫۰۸	۰٫۱۳

\*\*  $p < ۰٫۰۱$  \*\*\*  $p < ۰٫۰۰۱$

بر پایه‌ی نظر بنتلر و چو<sup>۱</sup> (۱۹۸۷)، شناسه‌های مناسب برای الگوآزمایی، برازش مقایسه‌ی (CFI)<sup>۲</sup>، تقریب خطای میانگین مجزورات باقی‌مانده‌ها (RMSEA)<sup>۳</sup>، و ریشه‌ی

<sup>۱</sup> Bentler, Peter M., and Chih-Ping Chou

<sup>۲</sup> Comparative Fit Index (CFI)

<sup>۳</sup> Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

مجذور میانگین باقی‌مانده‌ها ( $SRMR$ )<sup>۱</sup> است. برای شناسه‌ی برازش مقایسه‌ی، مقدار ۰/۹۵ یا بیشتر، برای تقریب خطای میانگین مجذورات باقی‌مانده‌ها ۰/۰۶ یا کمتر، و برای ریشه‌ی مجذور میانگین باقی‌مانده‌ها ۰/۰۸ یا کمتر پیشنهاد شده‌است؛ به همین دلیل در الگوسازی این پژوهش، از این سه شناسه‌ی برازش و مقادیر ملاک ارائه‌شده در بالا استفاده شد.

همان گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، شناسه‌های برازش در میان چهار مدل، آشکارا از مدل دل‌بستگی اضطرابی کامل و دل‌بستگی اجتنابی پاره‌ی پشتیبانی می‌کند؛ به عبارت دیگر، دل‌بستگی اضطرابی، تبعیض ادراک‌شده (باور به دنیای عادلانه برای زنان) را به عنوان میانجی کامل می‌پذیرد (شناسه‌های برازش ارائه‌شده در جدول، با مقادیر معیار ارائه‌شده مقایسه شود)؛ در حالی که در دل‌بستگی اجتنابی چنین نیست. برای تأیید کامل این مدل، مقایسه‌ی تفاضل‌خیز دو برای مدل‌های مختلف صورت گرفت، که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می‌شود.

جدول ۳- تفاضل‌خیز دو برای مدل‌های مختلف

مدل	مدل دل‌بستگی اجتنابی کامل	مدل کامل	مدل پاره‌ی
مدل دل‌بستگی اضطرابی کامل	۴۴/۲۵	۱۹/۰۶	۸۲/۵۰
مدل دل‌بستگی اجتنابی کامل	—	-۲۵/۱۹	۳۸/۲۵
مدل کامل	—	—	۶۳/۴۴

پیش از ارائه‌ی نتایج مربوط به جدول ۳، یادآوری این نکته الزامی است که هر چه میزان‌خیز دو کاهش یابد، مدل، برازش بیشتری با داده‌ها دارد. آن گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تفاضل‌خیز دو در مدل وابستگی اضطرابی کامل با بقیه‌ی مدل‌ها معنادار است.

بررسی اثرات تعدیلی دل‌بستگی و تبعیض ادراک‌شده (باور به دنیای عادلانه بر زنان) بر افسردگی، در جدول ۴ گزارش شده‌است.

<sup>۱</sup> Standardized Root Mean Square Residual ( $SRMR$ )



جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی با آزمون اثرات تعدیلی تبعیض ادراک‌شده و تعامل دل‌بستگی و تبعیض ادراک‌شده بر افسردگی

مرحله	متغیرها	ضریب بتای غیراستاندارد	خطای استاندارد	بتای استاندارد
اول متغیرهای پیش‌بین	دل‌بستگی اضطرابی	۰/۲۷	۰/۰۸	**۰/۱۸
	دل‌بستگی اجتنابی	۰/۹۷	۰/۰۷	**۰/۵۷
دوم افزودن متغیر تعدیل‌کننده	دل‌بستگی اضطرابی	۰/۳۴	۰/۰۹	**۰/۲۱
	دل‌بستگی اجتنابی	۰/۸۳	۰/۰۹	**۰/۵۲
	تبعیض ادراک‌شده	۰/۰۴	۰/۰۲	**۰/۱۷
سوم افزودن دو تعامل متغیرهای پیش‌بین و تعدیل‌کننده	دل‌بستگی اضطرابی	۰/۳۷	۰/۰۹	**۰/۲۲
	دل‌بستگی اجتنابی	۰/۸۷	۰/۰۹	**۰/۴۹
	تبعیض ادراک‌شده	۰/۰۴	۰/۰۲	*۰/۱۴
	دل‌بستگی اضطرابی × تبعیض ادراک‌شده	۰/۰۷	۰/۰۲	*۰/۱۵
	دل‌بستگی اجتنابی × تبعیض ادراک‌شده	۰/۰۶	۰/۰۲	۰/۱۲

\*  $p < ۰/۰۵$  \*\*  $p < ۰/۰۱$

همان گونه که در جدول ۴ دیده می‌شود، در مرحله‌ی اول، متغیرهای پیش‌بین، در مرحله‌ی دوم، متغیرهای تعدیل‌کننده، و در مرحله‌ی سوم، تعامل میان متغیرهای پیش‌بین و تعدیل‌کننده وارد تحلیل رگرسیون سلسله‌مراتبی شده‌اند. برای اطمینان از سطح معناداری، اثرات غیرمستقیم دل‌بستگی بر افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده (باور به دنیای عادلانه برای زنان)، با استفاده از زیربرنامه‌ی INDIRECT در نرم‌افزار SPSS (عریضی سامانی و خلیلیان ۱۳۸۷) محاسبه، و مشخص شد که فقط اثر غیرمستقیم دل‌بستگی اضطرابی بر افسردگی به وسیله‌ی تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان (باور به دنیای عادلانه برای زنان) معنادار ( $p < ۰/۰۱$ ) است.

## بحث و نتیجه‌گیری

گل‌پرور و عریضی (۱۳۸۵) نشان داده‌اند که زنان، تا اندازه‌ی نسبت به مردان، شرایط دنیا را برای خود عادلانه نمی‌دانند؛ به عبارت دیگر، تبعیض ادراک‌شده در گروه زنان و مردان، بر پایه‌ی باور به دنیای عادلانه، در مواردی، با یک‌دیگر برابر نیست و به همین دلیل نمی‌توان این نوع باورها را به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده یا میانجی برای مقایسه‌های میان‌گروهی در نظر گرفت. یافته‌های این پژوهش (جدول‌های ۲، ۳، و ۴) نشان می‌دهد که تبعیض ادراک‌شده از سوی زنان (بر پایه‌ی باور به دنیای عادلانه برای زنان)، برای پیوند میان

دل‌بستگی اضطرابی و افسردگی، نقش یک میانجی کامل، و برای پیوند میان دل‌بستگی اجتنابی با افسردگی، نقش یک میانجی پاره‌یی را بازی می‌کند؛ بدین ترتیب، پژوهش حاضر از مدل کامل دل‌بستگی اضطرابی پشتیبانی می‌کند؛ یعنی بر این باور است که زنان با سبک دل‌بستگی اضطرابی، بیشتر تحت تأثیر تبعیض ادراک‌شده قرار می‌گیرند و افسرده می‌شوند. دلیل اولیه‌ی این امر آن است که زنان دارای دل‌بستگی اضطرابی، نیاز زیادی به پیوندهای دوستانه و صمیمانه دارند (فورسایت<sup>۱</sup> ۱۳۸۰)؛ حال اگر ادراک چنین زنانی بر پایه‌ی تبعیض و بی‌عدالتی باشد، به همان اندازه احساس رانده شدن به آن‌ها دست می‌دهد؛ یعنی وقتی فردی احساس می‌کند که شایسته و سزاوار رانده شدن نیست، اما دنیایی که در آن زندگی می‌کند، با بی‌عدالتی، رانده‌شدگی را برای وی به ارمغان آورده‌است، به‌سادگی افسردگی را تجربه خواهدکرد. به باور گیدنز<sup>۲</sup> (۱۳۸۷)، در فرد دارای اضطراب رانده شدن، امنیت وجودی و اعتماد به دنیا، بیش‌ترین تأثیر را از رانده شدن‌های ادراکی یا واقعی می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر، زنانی که نیاز بیش‌تری به دوستی و صمیمیت و اثبات شایستگی‌های خود دارند، هنگامی که احساس می‌کنند در دنیایی زندگی می‌کنند که شایستگی‌هایشان، با تبعیض، به بن‌بست کشیده‌شده‌است، ممکن است به‌سادگی احساس درماندگی و ناامیدی کنند، زیرا بر این باور اند که دنیای شکل‌گرفته بر پایه‌ی تبعیض و پیش‌داوری، درهای خود را به سوی آن‌ها نخواهدگشود. از سوی دیگر، شبکه‌ی ارتباطات بین‌فردی نیز نمی‌تواند اعتماد و اطمینان این زنان را جلب کند و آن‌ها را به لحاظ روان‌شناختی مورد پشتیبانی قرار دهد، زیرا علائمی که از زندگی در این دنیا دریافت می‌کنند، علائم طردکننده است (برانوفسکی<sup>۳</sup> ۱۹۸۴).

شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که زنان، نسبت به مردان و در مواردی چند، ملاک‌هایی ساده‌تر را برای عدالت می‌پذیرند؛ یعنی همان‌گونه که مرثی و عریضی (۱۳۸۴) نشان داده‌اند، در مواقعی نیز که زنان دارای شایستگی‌های بیش‌تری نسبت به مردان اند، در دستیابی به فرصت‌ها، ملاک برابری را در توزیع می‌پذیرند؛ در حالی که مردان در این شرایط، از ملاک انصاف (یعنی هر کس هم‌آهنگ با شایستگی‌ها و تلاش‌هایش) کوتاه نمی‌آیند و سهم برون‌دادی بالاتری را خواستار اند. این شواهد نشان می‌دهد که حتا پذیرش ملاک برابری در رعایت عدالت (یا عدم تبعیض) نیز، چندان در برخی حوزه‌ها از سوی زنان پذیرفته‌نمی‌شود؛ زیرا زنان، از بسیاری سوویه‌ها، در معرض کلیشه‌های جنسیتی اند (بهرامی و عریضی ۱۳۸۷)؛ برای نمونه، بسیاری از رفتارهایی که پیش‌رفت در جامعه را فراهم می‌سازد

<sup>1</sup> Forsyth, Donelson R.

<sup>2</sup> Giddens, Anthony

<sup>3</sup> Baranowski, Tom



(مانند رفتارهای تحکم‌آمیز برای جای‌گاه‌های مدیریتی)، در مورد زنان، ناهم‌خوان به شمار می‌آید و آن‌ها با انجام این نوع رفتارها، مطلوبیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند (عریضی، بهادران، و فاتحی‌زاده ۱۳۸۶).

در سوی دیگر، افراد دارای سبک دل‌بستگی اجتنابی، نگرانی چندانی از پذیرفته نشدن در این جهان ندارند و نسبت به علائم تبعیض و بی‌عدالتی حساسیتی کمتر نشان می‌دهند. دلیل این امر آن است که برای افراد دارای دل‌بستگی اجتنابی، پذیرفته شدن از سوی دیگران، به عنوان دلیلی برای تأیید خود در نظر گرفته نمی‌شود؛ پس باور به دنیای ناعادلانه در این گونه افراد، اثر چندانی بر جای نمی‌گذارد.

در مجموع، یافته‌های این پژوهش، تا اندازه‌ی درخور توجه، با پژوهش‌های مربوط به دل‌بستگی هم‌آهنگ است. شواهد پژوهشی مربوط به دل‌بستگی نشان داده‌است که افراد دارای سبک دل‌بستگی اضطرابی، برداشتی منفی را از خود رشد و گسترش می‌دهند و برای تأیید خود و دستیابی به اعتبار، به گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی نیاز دارند. در این شرایط، اگر گروه و شبکه‌ی اجتماعی، به جای تأیید، آن‌ها را نفی کند، از لحاظ روان‌شناختی در مخاطره قرار می‌گیرند (زاکالیک و وی ۲۰۰۶؛ وودهاوس و کلسو<sup>۱</sup> ۲۰۰۸). یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش‌های مربوط به اعتباربخشی خود هم‌آهنگ است (مالین‌کروت ۲۰۰۰؛ زاکالیک و وی ۲۰۰۶). زاکالیک و وی (۲۰۰۶)، اعتباربخشی درونی و بیرونی را از هم متمایز کرده‌اند و بر این باور اند افرادی با سبک دل‌بستگی اضطرابی، برای اعتباربخشی به خود، نیاز بیشتری به منابع بیرونی دارند؛ پس بازخورد منفی، آن‌ها را در معرض خطر افسردگی قرار می‌دهد. در پژوهش حاضر نیز، به همین دلیل، میان سبک دل‌بستگی اضطرابی با افسردگی ارتباطی نیرومندتر (نسبت به سبک دل‌بستگی اجتنابی) به دست آمد.

در این پژوهش، تبعیض ادراک شده، به عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، با پژوهش‌های قبلی هم‌آهنگ است. پژوهش‌هایی نظیر کرنینگ<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) و هامن و هم‌کاران<sup>۳</sup> (۱۹۹۵)، بیان‌گر آن است که در برآشفتگی روانی افراد، میان ویژگی‌های شخصیتی و تبعیض ادراک شده، کنش‌واکنش وجود دارد؛ به گونه‌ی که در افراد دارای باور ضعیف به دنیای عادلانه برای زنان، دل‌بستگی اضطرابی دارای پیوند نیرومندتری با افسردگی است؛ به عبارت دیگر، هنگامی که زنان احساس می‌کنند دنیایی که در آن زندگی می‌کنند با آن‌ها به عدالت و انصاف رفتار می‌کند، در اثر نیاز به تأیید از سوی دیگران و در صورتی که این نیازشان برطرف نشود، کمتر دچار افسردگی می‌شوند، زیرا این باور که دنیا عاقبت آن‌ها را به آنچه

<sup>1</sup> Woodhouse, Susan S., and Charles J. Gelsso

<sup>2</sup> Corning, Alexandra F.

<sup>3</sup> Hammen, Constance L., Dorli Burge, Shannon E. Daley, Joanne Davila, Blair Paley, and Karen D. Rudolph

شایستگی‌اش را دارند می‌رساند، به عنوان سپری محافظتی از افسرده شدن آن‌ها جلوگیری می‌کند.

باید توجه داشت که این پژوهش بر روی زنان غیرشاغل صورت گرفته‌است و در تعمیم نتایج آن به زنان شاغل باید احتیاط کرد؛ از سوی دیگر پیشنهاد می‌شود که برای پژوهش‌های آتی، حوزه‌هایی خاص مانند تبعیض ادراک‌شده در شغل، به‌ویژه تبعیض ادراک‌شده در کارراهی مدیریتی، و تأثیر آن بر فشار روانی در محیط کار و افسردگی مورد مطالعه قرار گیرد.

## منابع

- بشارت، محمدعلی. ۱۳۸۳. «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی با برون‌گرایی و نوروگرایی»، *علوم روان‌شناختی* ۱۰: ۱۱۰-۱۲۲.
- بشارت، محمدعلی، و منیره فیروزی. ۱۳۸۵. «سبک‌های دل‌بستگی و ترس از صمیمیت»، *علوم روان‌شناختی* ۱۷: ۵-۱۵.
- بشارت، محمدعلی، محمد گلی‌نژاد، و علی‌اصغر احمدی. ۱۳۸۲. «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی و مشکلات بین‌شخصی»، *اندیشه و رفتار* ۸(۴): ۷۴-۸۱.
- بهرامی، فاطمه، و سیدحمیدرضا عریضی. ۱۳۸۷. «بررسی کلیشه‌های جنسیتی بین زنان و مردان شهر اصفهان»، *طرح پژوهشی، معاونت پژوهشی، دانشگاه اصفهان، اصفهان*.
- راو‌دراد، اعظم. ۱۳۷۹. «تحلیلی بر نقش زن در توسعه با تأکید بر اشتغال»، *نامه‌ی علوم اجتماعی (دانشگاه اصفهان)* ۳: ۱۵-۲۸.
- رحیمیان بوگر، اسحق، ابوالقاسم نوری، سیدحمیدرضا عریضی، حسین مولوی، و عبدالرضا فروغی مبارکه. ۱۳۸۵. «بررسی رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالی با جهت‌گیری به کار و درگیری با کار در پرستاران بیمارستان‌های دولتی شهر اصفهان»، *مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی (دانشگاه شهید چمران اهواز)* ۱۳(۳): ۱۰۹-۱۳۴.
- \_\_\_\_\_. ۱۳۸۶. «رابطه‌ی سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالی با رضایت و استرس شغلی در پرستاران»، *مجله‌ی روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران* ۱۳(۲): ۱۴۸-۱۵۷.
- زارعی، ف. ۱۳۸۵. «بررسی رابطه‌ی بین سقف شیشه‌یی به عنوان مانع نگرشی، اجتماعی و فرهنگی با رشد و پیشرفت حرفه‌یی زنان شاغل در سازمان‌های دولتی شهر اصفهان»، *صص ۱۳۶-۱۳۷ در مجموعه خلاصه مقالات نهمین هفته پژوهش دانشگاه اصفهان*. اصفهان: دانشگاه اصفهان.



- سجادیان، ایلیانز، و محسن گل‌پرور. ۱۳۸۷. «روابط ساده و چندگانه‌ی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با شاخص‌های وضعیت روانی». *روان‌شناسی معاصر* ۳(۱): ۳۳-۴۲.
- سرمد، زهره. ۱۳۷۸. «متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌یی: تمایزات مفهومی و راهبردی». *پژوهش‌های روان‌شناختی* ۵(۳-۴): ۶۳-۸۰.
- شکرکن، حسین، غلامرضا خجسته‌مهر، یوسف‌علی عطاری، و منیره شهنی بیلاق. ۱۳۸۵. «بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی، و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، به عنوان پیش‌بین‌های موفقیت و شکست رابطه‌ی زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی شهر اهواز». *مجله‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی (دانشگاه شهید چمران اهواز)* ۱۳(۱): ۱-۳۰.
- عریضی، سیدحمیدرضا. ۱۳۸۲. «ساخت و اعتباریابی فرم کوتاه‌شده‌ی مقیاس افسردگی مرکز جمعیت‌شناختی». *مجله‌ی تحقیقات پرستاری و مامانی (دانشگاه علوم پزشکی اصفهان)* ۲۱(۴۵-۵۲): ۵۲.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. «بررسی تجربی شکاف دست‌مزدی مبتنی بر جنسیت در صنعت ایران». *رفاه اجتماعی* ۵(۲۱): ۶۳-۹۸.
- عریضی، سیدحمیدرضا، پروین بهادران، و مریم‌السادات فاتحی‌زاده. ۱۳۸۶. «رابطه‌ی بین رفتارهای تحکم‌آمیز معلمان زن و مرد مدارس ابتدایی با میزان مقبولیت آنان در ارزش‌یابی مدیران». *پژوهش زنان* ۵(۳): ۶۳-۸۲.
- عریضی سامانی، سیدحمیدرضا، و مائده خلیلیان. ۱۳۸۷. «روش‌های تحلیل میانجی و کاربرد آن در بررسی جاذبه‌ی سازمانی به عنوان متغیر میانجی». مقاله‌ی ارائه‌شده در نهمین کنفرانس آمار در ایران، ۳۰ مرداد-۱ شهریور ۱۳۸۷. دانشگاه اصفهان، اصفهان.
- عباسی سرچشمه، ابوالفضل. ۱۳۸۴. «بررسی روابط ساده و چندگانه‌ی نگرش مذهبی، خوش‌بینی، و سبک‌های دل‌بستگی با رضایت زناشویی در دانش‌جویان مرد متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز». پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران، اهواز.
- فورسایت، داتل‌سون ر. ۱۳۸۰. *پویایی گروه: شناخت و سنجش*. برگردان جعفر نجفی زند و حسن پاشا شریفی. تهران: دوران.
- گل‌پرور، محسن. ۱۳۸۵. «تفاوت زنان و مردان در ارتباطات جهت‌گیری ارزشی شخصی و علاقه‌مندی به پول با باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه». *دوفصل‌نامه‌ی علوم تربیتی و روانشناسی (دانشگاه سیستان و بلوچستان)* ۳(۵): ۴۵-۶۲.
- گل‌پرور، محسن، سرور خاکسار، و فلور خیاطان. ۱۳۸۷. «رابطه‌ی بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاش‌گری». *روان‌شناسان ایرانی* ۱۵(۱۸): ۱۲۷-۱۳۶.
- گل‌پرور، محسن، و سارا جوادی. ۱۳۸۵. «الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخص‌های بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری». *اصول بهداشت روانی* ۸(۳۱-۳۲): ۱۰۹-۱۲۲.
- گل‌پرور، محسن، و سیدحمیدرضا عریضی. ۱۳۸۵. «مقایسه‌ی نگرش زنان و مردان اصفهانی نسبت به دنیای عادلانه برای زنان و مردان». *پژوهش زنان* ۴(۴): ۹۵-۱۱۴.

- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۶. «اعتباریابی پرسش‌نامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران». *مجله پژوهشی علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)* ۴(۲۵):۱۹۳-۲۱۲.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷. «رابطه‌ی بهزیستی معلمان با باور به دنیای عادلانه و رفتارهای پرخاش‌گرانه‌ی دانش‌آموزان در مقابل آن‌ها». مقاله‌ی چاپ‌نشده.
- \_\_\_\_\_ ۱۳۸۷. «نقش جهت‌گیری‌های ارزشی و علاقه به پول با باورهای معطوف به عدالت» *اخلاق در علوم و فن‌آوری* ۱-۲:۱۱۵-۱۲۴.
- گل‌پرور، محسن، منوچهر کامکار، و سارا جوادی. ۱۳۸۶. «رابطه‌ی باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه‌ی مثبت و منفی، و افکار خودکار». *دانش و پژوهش در روان‌شناسی* ۹(۳۱):۳۹-۶۸.
- گیدنز، آنتونی. ۱۳۸۷. *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. برگردان ناصر موفقیان. تهران: نشر نی.
- مراتی، محمود، و سیدحمیدرضا عریضی. ۱۳۸۴. «تأثیر جنسیت و درون‌داد توزیع‌کنندگان منابع و هنجارهای عدالت اجتماعی بر میزان مقبولیت آن‌ها». *مجله‌ی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان* ۱۹(۲):۲۰۷-۲۲۹.
- مظاهری، محمدهلی. ۱۳۷۹. «نقش دل‌بستگی بزرگ‌سالان در کنش‌وری ازدواج». *روانشناسی* ۴(۳):۲۸۶-۳۱۸.
- Ainsworth, Mary D. Salter, Mary C. Blehar, Everett Waters, and Sally Wall. 1978. *Patterns of Attachment: A Psychological Study of the Strange Situation*. Hillsdale, NJ, USA: Lawrence Erlbaum Associates.
- Baranowski, Tom. 1984. "Social Support and Health-Related Behavior Change Maintenance." *Society for the Advancement of Social Psychology Newsletter* 10(1):12-18.
- Bentler, Peter M., and Chih-Ping Chou. 1987. "Practical Issues in Structural Modeling." *Sociological Methods and Research* 16(1):78-117.
- Bowlby, John. 1973. *Separation, Anxiety, and Anger*. New York, NY, USA: Basic Books.
- \_\_\_\_\_. 1980. *Loss: Sadness and Depression*. 2<sup>nd</sup> Edition. New York, NY, USA: Basic Books.
- Brennan, Kelly A., Phillip R. Shaver, and Catherine L. Clark. 2000. "Specifying Some Mediators of Attachment Related Anxiety and Avoidance." Unpublished manuscript, State University of New York College at Brockport, New York, NY, USA.
- Corning, Alexandra F. 2002. "Self-Esteem as a Moderator between Perceived Discrimination and Psychological Distress among Women." *Journal of Counseling Psychology* 49(1):117-126.
- Fraley, R. Chris, Joseph P. Garner, and Phillip R. Shaver. 2000. "Adult Attachment and the Defensive Regulation of Attention and Memory: Examining the Role of Pre-emptive and Post-emptive Defensive Processes." *Journal of Personality and Social Psychology* 79(5):816-826.
- Fuendeling, James M. 1998. "Affect Regulation as a Stylistic Process within Adult Attachment." *Journal of Social and Personal Relationships* 15(3):291-322.





- Hammen, Constance L., Dorli Burge, Shannon E. Daley, Joanne Davila, Blair Paley, and Karen D. Rudolph. 1995. "Interpersonal Attachment Cognitions and Prediction of Symptomatic Responses to Interpersonal Stress." *Journal of Abnormal Psychology* 104(3):436-443.
- Hazen, Cindy, and Phillip R. Shaver. 1990. "Love and Work: An Attachment Theoretical Perspective." *Journal of Personality and Social Psychology* 59(2):270-280.
- Lerner, Melvin J. 1980. *The Belief in a Just World: A Fundamental Delusion*. New York, NY, USA: Plenum Press.
- Lopez, Frederick G., James Fuendeling, Kim Thomas, and David Sagula. 1997. "An Attachment-Theoretical Perspective on the Use of Splitting Defences." *Counselling Psychology Quarterly* 10(4):461-472.
- MacKinnon, D. P., C. M. Lockwood, C. H. Brown, W. Wang, and J. M. Hoffman. 2007. "The Intermediate Endpoint Effect in Logistic and Probit Regression." *Clinical Trials* 4(5):499-513.
- Mallinckrodt, Brent. 2000. "Attachment, Social Competencies, Social Support, and Interpersonal Process in Psychotherapy." *Psychotherapy Research* 10(3):239-266.
- Mikulincer, Mario, Phillip R. Shaver, and Dana Pereg. 2003. "Attachment Theory and Affect Regulation: The Dynamics, Development, and Cognitive Consequences of Attachment-Related Strategies." *Motivation and Emotion* 27(2):77-102.
- Sutton, Robbie M., and Karen M. Douglas. 2005. "Justice for All, Or Just for Me? More Evidence of the Importance of the Self-Other Distinction in Just-World Beliefs." *Personality and Individual Difference* 39(3):637-645.
- West, Malcolm L., and Adrienne E. Sheldon-Keller. 1994. *Patterns of Relating: An Adult Attachment Perspective*. New York, NY, USA: Guilford.
- Woodhouse, Susan S., and Charles J. Gelso. 2008. "Volunteer Client Adult Attachment, Memory for In-session Emotion, and Mood Awareness: An Affect Regulation Perspective." *Journal of Counseling Psychology* 55(2):197-208.
- Zakalik, Robyn A., and Meifen Wei. 2006. "Adult Attachment, Perceived Discrimination Based on Sexual Orientation, and Depression in Gay Males: Examining the Mediation and Moderation Effects." *Journal of Counseling Psychology* 53(3):302-313.

پرتال جامع علوم انسانی

نویسندگان

دکتر محسن گل‌پرور،

استادیار گروه روان‌شناسی صنعتی و سازمانی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان  
mgolparvar@khuisf.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم و تحقیقات، ۱۳۸۳.  
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی روان‌شناسی اجتماعی و صنعتی و سازمانی، به‌ویژه باور به دنیای  
عادلانه، عدالت اجتماعی و سازمانی، و اخلاق کاری و حرفه‌یی است. از وی تا کنون نزدیک به  
۴۰ مقاله در نشریات پژوهشی چاپ شده‌است.

دکتر حمیدرضا عریضی،

استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان  
dr.oreyzi@edu.ui.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۹.  
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی روش‌های پیش‌رفته‌ی پژوهش، روان‌شناسی اجتماعی، روان‌شناسی صنعتی  
سازمانی، و تبعیض علیه زنان است. از وی تا کنون چندین کتاب، به‌ویژه در حوزه‌ی روش‌های  
تحقیق، و بیش از ۶۵ مقاله در نشریه‌های پژوهشی چاپ شده‌است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی